

کتابخانه مجازی
افغانستان
فرهنگ بارداری و زایش
در هزارستان


بسم الله الرحمن الرحیم

جایگاه بارداری و زایش در فرهنگ شفاهی مردم هزاره

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جایگاه بارداری و زایش در فرهنگ شفاهی مردم هزاره

مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازی افغانستان،۱۳۹۲
عنوان و نام پدیدآور:جایگاه بارداری و زایش در فرهنگ شفاهی مردم هزاره/ دکتر حفیظ الله شریعتی.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: فرهنگ

جایگاه بارداری و زایش در فرهنگ شفاهی مردم هزاره

به دنیا آوردن نوزاد و زایش در روستاهایی هزارگی، از اهمیت و جایگاهی بالایی برخوردار است که بی شک مراسم و اعتقادات گسترده‌ای، چه در زمان بارداری، چه در زمان زایمان و حتی پس از آن را در پی دارد. بارداری و زایش در هر منطقه‌ای از هزارستان آداب و رسوم متنوعی دارد که مهم ترین آن ها چنین اند.

نذر بچه دار شدن

زنان بی فرزند هزاره که آرزوی داشتن فرزند دارند، گهواره کوچک درست می کنند و یک عروسک قنداق کرده داخل آن می گذارند و با خود به مسجد می آورند و درگوشه ای می بندند و چند مرتبه گهواره را می جنبانند و نیت می کنند اگر تا سال بعد صاحب فرزندی شوند، حلوای نذری بپزند و خیرات کنند. بسیاری از زنان عقیده دارند اگر گهواره را پشت منبر امام حسن(ع) ببندند اثرش بیشتر است.

دفع چشم زخم

هزاره ها به چشم کردن اعتقاد زیادی دارند. برای جلوگیری از چشم زخم، مُهره هایی رنگارنگ بر گردن مادر و پس از تولد نوزاد، روی گهواره وی آویزان می کنند. آیه ی «وَ اِنْ یکاد» و ادعیه را با سنجاق بر شانه ی چپ مادر و نوزاد می بندند. ریختن اسپند یا اسفند بر آتش و به اصطلاح اسفند دود کردن و (نیگه ره) دود نمودن نیز برای رفع چشم زخم مرسوم است.

گردن آویز و تعویذ برای مادر بچه

در هزارستان هر مادری که منتظر به دنیا آمدن فرزندی است، گردن آویز و تعویذ دفع بلایا دارند. معمولا در۵ - ۴ ماهگی بارداری، یعنی زمانی که جنین وجود خود را با تکان خوردن در شکم مادر اعلام میکند یا پیش از آن، در دوران جنینی، به فکر گردن آویز و تعویذ می افتند. خانواده ی مادر با تهیه گردن آویزی مخصوص از جنس نقره و مزین به نام خدا، آیه وان یکاد و دیگر آیات خاص قرآنی به منظور دفع چشم زخم و محافظت از مادر و فرزند به سراغ زن باردار میروند. پس از آویختن گردنبند بر گردن مادر، و یا تعویذ بلا بدور از مادر و کودک که توسط روحانی محل نوشته می شود، برای مادر و کودک دعا و آرزوی سلامت می کنند. مادر نوزاد در تمامی مدت بارداری، زایمان و حتی تا مدتها پس از زایمان نیز آن را به همراه دارد. در زمان های گذشته

گردن آویزی که برای این کار استفاده می شده، به شکل لوله یا لولهای استوانه ای بوده، اما در حال حاضر شکل های دیگر این گردن آویز نیز مرسوم است و برخی از این ها به شکل کعبه، کتاب قرآن یا صندوقچه های به شکل قاب قرآن، چهار گوش و سه گوش است که در آن نوشته های از آیات قرآن قرار می دهند.

آوردن لباس برای مادر و بچه

همین که زن حامله هشت ماهه شد از طرف مادرش لباس های مورد لزوم بچه را در چمدان یا در پتنوس های جداگانه گذاشته و روی آن پارچه می کشیده برای مادر بچه می فرستند یا با خود می آورند. لباس و لوازم بچه به طور معمول گهواره، قنداق، پیشانی بند، ناف بند، صابون، روپوش بچه و مانند آن است.

نذر بچه به دنیا آوردن

نذرکردن مادر چند روز پیش از به دنیا آمدن نوزاد نیز رسم دیگری از این گونه است. مادر در این روز دلده یا حلوا می پزد و زنان دیگر را دعوت می کند. زنان پس از صرف غذای نذری برای سلامتی مادر و کودک دعا می کنند. برخی از زنان این نذر را پس از آگاه شدن از بارداری به گردن می گیرد و چند روز مانده به زایمان ادا می کنند. برخی از زنان نیت می کنند که اگر فرزند شان پسر باشد، این نذر را هرسال تکرار کند.

چله گی

پیش از آن که آثار و نشانه های زایمان ظاهر شود، زنان اقوام و خویشان زن باردار به خانه او می روند. این رفتن برای آن است که نزدیکان و آشنایان در مراسم زایمان شرکت کنند. زن هایی که از ساعات اولیه زایمان نزد زائو آمده اند، می توانند بقیه روز ها هم به دیدن او بیایند، ولی زن هایی که حاضر نباشند یا ناصاف باشند، تا چهل روز پس از تولد نوزاد حق ندارند به دیدن زائو بروند. اگر به طور ناخواسته و اشتباهی بر مادر نوزاد وارد شوند، می گویند زن چله شده است و باید مراسم چله بوری برای او گرفته شود. از این رو هنگام وضع حمل اکثر اقوام و بستگان در اطراف زائو حاضر می شوند، جز زن هایی که چله اند و یا زن های که هزاره ها به وی ناصاف می گویند.

در چنین صورتی نخ بنددار با بند سیاه و سفیدی را که به هم تابیده شده باشد و به آن بند چله می گویند به دور گردن، مچ دست و مچ پای زن زائو و هم چنین به دور گردن و مچ دست نوزاد می بندند. بند چله را تا چهل روز پس از زایمان از زائو و نوزاد جدا نمی کنند. همین طور برای چله بری به پای زیارت بزرگان دینی، خاک سید می روند و با نذر و خیرات از خداوند می خواهند که خطری را از او و بچه اش دور کند.گرفتن تعوید و گردن بند- گردن آویز دعا شده نیز مرسوم است.

چله بری

وقتی چهل روز از تولد نوزاد گذشت، خانواده ی بچه از زنان قریه می خواهند که برای مراسم چله بری به خانه مادر کودک بیایند. وقتی زنان رسیدند هریک به کاری مشغول می شوند. برخی حلوا یا دلده می پزند و برخی دیگر جیل(زنجیر چله بری) را درست می کنند. زنان چله بر باید یک نخ بلند رنگارنگ تهیه کنند، سپس نخ را با دانه های گندم و جو مانند تسبیح بسازند. وقتی جیل آماده شد، مادر و کودک را سه بار، هفت بار و در برخی مناطق چهل بار از داخل جیل رد کنند تا چله مادر کودک بر شود. پس

از آن جیل را دور از خانه در داخل درختچه های قد و نیم قد می اندازند. در هنگام چله بری زنان صلوات می فرستند و دعا می خوانند. وقتی چله بری تمام شد، کف می زنند و شادی می کنند. در پایان غذای نذری را صرف می کنند و دور مادر و نوزاد حلقه می زنند. در این دور، اول یکی از دختران با صدای کشیده دوبیتی هزارگی می خواند و سپس دو نفری (دی دو) می خوانند و خوشحالی می کنند. دختران جوان بازی(رقص) می کنند. این دختران بیشتر پوف فی(پیشپو) و غومبر می زنند و زنان میان سال و پیر زنان لنگی می زنند. با نزدیک شدن غروب آفتاب زنان روستا به خانه های شان بر می گردند. خانواده ی بچه و مادر نوزاد آنان را تا کنار در همراهی می کنند. پس از مراسم چله بری، مادر نوزاد آزاد است که هر کجا برود و هرکه را بخواهد ببیند.

مراسم تولد نوزاد

عروس و داماد در هزارستان انتظار فرزندشان را روزشماری می‌کنند. بیشترآنان دوست دارند فرزندشان پسرباشد. پس از تولد بلا فاصله فردی مؤمن و خوش اخلاق اذان را درگوش راست و اقامه را درگوش چپ نوزاد می‌گوید. پس از تولد نوزاد اقوام و خویشان به دیدن پدر و مادر نوزاد می‌روند و به آن دو تبریک می‌گویند. در همان شب اول مراسم شب نشینی برای سه شب آغاز می‌گردد. در شب اول جوانان و در شب دوم دختران به دور مادر نوزاد جمع می‌شوند و شب را به روز می‌رسانند. از برنامه‌های زیبای این شب‌ها تاتر پیرگ و آواز خوانی (دی دو) است. این برنامه‌ها با شادی و خوشحالی همراه‌اند. گندم بوداده (گندم بیریو) با مغز بادام، مغز هسته ی زردالو و توت خشک از آجیل‌های به یاد مانده نی شب نشینی این شب‌هاست.

دایه که یکی از اعضای خانه و یا یکی از پیر زنان روستا است، وظیفه ی مراقبت از زائو و نوزاد را از بدو تولد تا چهل روز بعد را دارد. به عنوان اولین اقدام برای سلامتی زائو و نوزاد، زیر سر زائو؛ خنجر، قرآن و سوزن و ... قرار می دهند و حتی به گوشه ی یقه ی پیراهنش سوزن یا سنجاق آویزان می کنند. این اشیا از جهت دفع «آل خاتو» گذاشته می شوند، چرا که معتقدند اگر آل خاتو بیاید جگر زائو را با خود می برد و در خاکستر قرار می دهد و یا جگر زائو را به آب می زند یا می خورد. مراقبت از زائو درشب ها با هوشیاری و دقت بیشتری انجام می گیرد و برای جلوگیری از آل زدگی او را تنها نمی گذارند. آدم های خسته و کوفته نباید به دیدن مادر و نوزاد بیایند چرا که آن دو به بی حالی و بی رمقی دچار شده از حال می روند. در صورت بروز چنین حالتی، کفش نو وارد را پشت و رو می کنند تا مادر و نوزاد از بی حالی بیرون آید.

پس از تولد دایه یا زن هوشیار بچه را می گیرد و هنگامی که می خواهد ناف نوزاد را ببرد هرکدام ازحاضران مبلغی به عنوان ناف بران به او می دهند. دایه پس از قطع ناف اضافی نوزاد، آن را زیر خاک دفن می کند و بر محل زخم، روغن بادام تلخ یا شیرین و یا روغن گوسفند می مالد.

کار بعدی، شستشوی نوزاد و پوشاندن لباس تمیز و نو بر تن وی است؛ آنان اعتقاد دارند اگر کودک در این روز و شب غسل داده شود، آسیب و بیماری‌ای به او نمیرسد و کودک مریض نمیشود. البته غسل اصلی نوزاد را در چهلمین روز تولد میدهند و معمولا ناخنهایش را نیز در این روز میچیدند. رسم بر این است که مامای بچه(دایی) با گذاشتن سکه‌ای در کف دست نوزاد، ناخنهای او را میگیرد به دنبال این کار، به ابروان و چشمان نوزاد سرمه می کشند و هفت دکمه ی رنگ به رنگ یا سنجاق بر لباس او می زنند. این کارها را بیشتر(قابله ی نوزاد) که پیر زن قریه یا یکی از نزدیکان نوزاد است، انجام می دهد.

دایه یا کسی که نوزاد را به دنیا آورده است از احترام و جایگاه بالایی میان خانواده های هزاره برخوردار است؛ چرا که به مادر بچه کمک می کند تا نوزاد را به دنیا بیاورد و به دلیل تجربه های که در این زمینه دارد، کارهای نوزاد را در روزهای اولیه انجام می دهد. البته در بیشتر جاهای هزارستان مراقبت مادر و نوزاد را یکی از نزدیکان مادر به عهده می گیرد. وی پس از تولد نوزاد غذایی مقوی از کره و شکر تهیه می کند به مادر می دهد تا روز دهم نیز به صورت تمام وقت کنار نوزاد و مادر می ماند. هزاره ها به

کسی که به جای مادر نوزاد کارهای خانه را انجام می دهد(خانه گیر) می گویند. خانه گیر یکی از نزدیکان مادر نوزاد است.
برای مراسم شوشینی(شب نشینی)، همسایگـان و اقوام دیگر، به منظور تبریـک گفتن و شـرکت در جشن به خانه ی پـدر نوزاد می آینـد. هرکس در آن شب خوراکی هایی با خود به همراه می آورد که بیشتر نان از نوع پتیر روغنی، نان تاوه یی و تندری(تنوری) و روغن گاوی(مسـکه)(کره) اند. هدیه اصلی را روز دهم که مصادف با حمام بردن، غسل دادن مادر و گاهی نامگذاری نوزاد است، می دهند.

مراسم نامگذاری نوزاد

در انتخاب نام نوزاد، اقوام نزدیک برای شام دعوت می شونـد. نام نوزاد را معمولاً به چنـد روش انتخاب می کننـد: نخست: انتخاب اسم از روی قرآن کریم انجـام می شود. دوم: نـام نوزاد را از پیش انتخـاب می کننـد. سوم: برای نوزاد نام آبا و اجـداد وی را بر می گزیننـد. چهارم: اگر روزهای تولـد مصادف با مراسم دهه ی عاشورا، عیـد قربان و سایر روزهای خاص مذهبی و ... باشد، نام نوزاد را به احترام بزرگان دین و نیز همراهی با مراسم مـذهبی: حسـین، زینب، قربان، و ... می گذارنـد. برخی‌ها در دوران نامزدی یا پیش از بارداری برای بچه ی نیامده شان نام می‌مانند و پس از تولد بچه همان نام را برای نوزاد انتخاب می کنند.
وقتی دعوت شدگان جمع شدند، اولین نفری که پهلوی مادر نشسته است بچه را بر می دارد به بغل دستی خود می دهد، مهمانان تا سه دورکامل بچه را می‌چرخانند و دعا می‌خوانند.
درمراسم نـام گـذاری بـا قرآن، چنـد اسم را لای ورق‌های قرآن قرارداده یک نفرمؤمن وضو گرفته با قرائت سوره فاتحه قرآن را باز کرده چنـد ورق جلو رفته به اولین اسـمی که رسـید آن را انتخاب می‌نماینـد. یا نام‌ها را نوشـته در میان قرآن می‌گذارند و آن را باز می‌کننـد. هر نام که برآمد نام بچه همان می‌شود. برخی از روحانی محل می‌خواهند که بچه اش را نام کند و طالعش را ببیند. برخی نوزادان را مادر بزرگ و یا پدر بزرگ شان نام می‌کنند.
سپس اسـپند یـا نیگره دود کرده وصلوات می فرسـتند و از شـیرینی مجلس به عنوان تبرک برداشـته به خانه می‌برنـد. پس از آن در خانواده‌ها مادر را بنام فرزنـد بزرگشان صـدا می زننـد- مثلاً اگر پسـربزرگ علی باشد می‌گویند مادرعلی، خیلی‌ها نام پدربزرگ و مـادربزرگ را برای نوزاد برمی‌گزیننـد تـا یـاد و نـام آن هـا بـاقی بماننـد. در روز هفتم سـر بچه را می تراشـند و گوسـفندی را نـذر می‌کنند.
در پایان هر کـدام از بسـتگان هـدیه و پول بر بالین نوزاد، قرار می دهنـد. پس از شام، زن ها کنار مادر و نوزاد می ماننـد و مردها به اتاق دیگری می روند، در این شب، معمولا از غروب به بعد، نوزاد را روی زمین نمی گذارند و او را در آغوش می گیرند و دسـت به دست می کننـد. همین طور هریک از افراد حاضـر در مجلس و به خصوص نزدیکان مادر و پـدر نوزاد، کودک را در آغوش می گیرند، روی او را می بوسند و برایش آرزوی سلامتی و خوشبختی می کنند.

حمام بردن مادر

روز دهم زنان اقوام و خویشاوندان، مادر و نوزاد را به حمام می‌برند. پس ازحمام معمولاً به زنانی که به همراه مادر رفته‌اند، هدیه‌ای داده و برای صـرف نهـار دعوت می‌شونـد. هزاره هـا بـاور دارنـد روز دَه هم اگر مادرحمام برود پس از آن ولو تنها بمانـد دیگر آل خاتو نمی تواند به او آزار برساند.
در این مراسم، پیش از غـذا با تنقلاتی محلی- توت خشک و چهارمغز همراه شـیرینی، میوه و چای از میهمانان پـذیرایی میشود. این

تنقلات معمولا عبارت انـد از گندم بوداده، نخود، کشـمش و توت. آخر شب دهم، مراسم به پایان می رسد و میهمانان به خانه های شان بازمی گردنـد و فقط مادربزرگ ها و فامیل نزدیک نوزاد شب را با مادر و نوزادش سپری می کنند و بدین شـکل دهمین شـب تولد نوزاد با همراهی دوستان و اقوام، به خوشی سپری می شود.

مراسم شب هفتم (هفت شب)

از جمله مراسـمی که در هفتمین شب تولـد نـوزاد در میـان هزاره هـا اجرا میشـود، جشن خـانوادگی کوچـک است که به آن شـب هفتم(هفـتینه) هفت شب می گوینـد. در خصـوص این شب و مراسـمی که در آن برگزار میشود، دلایـل و اعتقـاداتی وجود دارد. از جمله اینکه کودک شـش روز پرمخاطره اول زندگی را به سـلامت پشت سر گذاشته و برخی دیگر نیز بر این اعتقادند که چون تنها مانـدن زائو و نوزاد در این شب خطرنـاک است، در کنارشـان میماننـد و آن هـا را یـاری میدهنـد تـا این شب را به دور از خطرهای خاص، به شادی و خوشـی سپری کننـد. افزون بر آن، به نظر میرسـد خوشـیمنی و تقدس عدد هفت نیز در خصوص انتخاب این روز برای برگزاری این مراسم، بیتاثیر نیست.

مراسم عقیقه

ایـن جشن، از آیین هـای شـادی مرتبـط بـا تولـد نـوزاد است. به این ترتیب که آن هـا نـذر می کننـد که اگر فرزنـدشان پسر شـود، گوسـفند، بز یـا گـاوی را قربـانی کننـد و بـا گوشت آن، آبگوشتی بپزنـد و بین مردم تقسـیم کننـد. در مواقعی نیز خـانواده هـا برای سلامتی فرزنـدان شان، یا برای از بین بردن امراض و بیماری هایی که ممکن است کودکان شان به آن دچار شوند، چنین نذری می کننـد. عقیقه به طور معمول، گوشت گوسـفند، یا بز است و صاحبخانه، مقـدار قابل توجهی از این گوشت را که بیشتر اوقات، دل و جگر حیوان ذبح شده است، به قابله ای که بچه را به دنیا آورده است، می دهد.
افرادی که آبگوشت عقیقه را می خورند، لازم نیست که حتماً از مردم فقیر باشـند اما بیشتر اوقات صاحب مراسم، برای ثواب بیشتر، غذا را فقط به افراد مستحق می دهد. پدر ومادر و خانواده ی بچه ای که برایش عقیقه نذر کرده اند نباید از گوشت عقیقه بخورند.

تراشیدن موی کودک

در مراسم عقیقه به طور معمول موی کودک را می تراشـند. موی بچه را می تراشند و تنها کاکلی در جلوی سرش باقی می گذارند، در برخی منـاطق کاکل هم نمی گذارنـد. پس از تراشـیدن موی کودک حیوان عقیقه را می کشـتند. در بعضـی از نقاط هزارسـتان، مردم جشن عقیقه را پیش از ۱۰ سالگی برای فرزندان خود می گیرند و در برخی مناطق دیگر، بلافاصـله بعد ازتولد نوزاد این جشـن برپا می شود. اکنون هزاره ها عقیقه را تنها مختص به فرزندان پسر نمی دانند و برای تمامی فرزندان این رسم را به جا می آورند. در برخی مناطق به اندازه ی وزن موی کودک چیزهای با ارزش به فقرا می دهند. برخی مناطق فقط به آرد گندم و جو اکتفا می کنند.

نذر بلا بدور

خانواده‌های هزاره برای آن که کودکشان از قضا و بلا دور باشـند؛ گوسـفندی را ذبـح می‌کننـد. این گوسـفند بایـد شـرایط خاصـی داشـته باشـد. سـنش از دو سال بیشتر نباشـد. همچنین نباید آسـیب دیده، لاغر وکور باشد! سـپس با گوشت این گوسـفند آبگوشتی می‌پزنـد، تمـام همسایه‌هـا از کوچـک و بزرگ دعوت می‌شونـد و با آبگوشت از آن ها پـذیرایی می‌گردنـد. در بعضـی مواقع، این

آبگوشت را بدون میهمانی دادن بین همسایه‌ها، توزیع می‌کنند و سهم فقیران را به خانه های آن ها می فرستند.

آل خاتو

زنی است بلند قامت با موهای بلند که تا قوزک پایش می رسد، دست ها و پاهای استخوانی لاغر دارد، رنگ چهره اش سرخ و سیاه و بینی اش سرخ رنگ و کنده کنده است.

هزاره ها برای دفع آل خاتو رختخواب زائو را در وقت زایمان دور تا دور نخ می بستند. زبان وی را با نخ گره می زدند و در گوشه ی دیوار می بستند تا آل خاتو نتواند آسیبی به وی برساند. یکی از نزدیکان مادر نوزاد دور رختخواب او را با چاقو برهنه خط می کشید تا آل خاتو جرات وارد شدن بر بستر مادر را نداشته باشد. شمشیر برهنه را بالای سر زائو آویزان می کردند. این شمشیر تا روزی که چل مادر را بیرون می کردند(روز چل بوری) همان جا می ماند.

بدین مناسبت زنان هزاره نزدیک غروب، دور تا دور رختخواب مادر و نوزاد را حلقه می نشستند. کاسه ی مسی، چاقوی را بالای سر مادر قرار میدادند، تا مادر و فرزند از شر و تأثیرات سوء جن که معروفترین آن، جن آل است و در اصطلاح محلی به آن آل خاتو میگویند، در امان بمانند. حلقه نشستن و طناب بستن دور بستر مادر و کودک حصاری میشد تا جنها، ناراحتیها و بیماریها نتوانند به مادر و فرزند نزدیک شوند. معمولاـ در کنار کاسه مسی و چاقو، قرآن تکه نانی نیز به یمن برکت و روزی نوزاد، قرار میدادند.

ختنه سوران(سنت کردن)

از مراسم معمول و متداول در هزارستان مراسم ختنه سوران پسران در سنین ۴ یا ۵ سالگی است. در اغلب روستاها روز ختنه سوران پسر را حمام می برند. چشم هایش را سرمه می کشند و لباس نو بر تنش می پوشانند و در خانه ای که همه جمع اند، اسپند و نیگره دود می کنند و دهل، دنبوره وسرنا می زنند و پسر را به تیغ سلمانی می سپارند. هنگام ختنه، دهان پسر را که از درد داد می کشد از شیرینی و نقل و نبات پر می کنند و پسر را هدیه های زیاد نثار می کنند. خانواده های هزاره برای این که پسرشان زود خوب شود و خدای نکرده آسیب نبیند، نذری به گردن می گیرد و پس از مراسم ختنه سوران ادا می کنند. نذر را به آشنایان و دوستان و به ویژه فقیران می دهند.

در گذشته، در برخی مناطق برای این کار ابتدا شخصی، کودک را محکم در بغل می‌گرفت و دلّاک با گفتن جمله‌ای نظر کودک را به جایی دیگر جلب می‌کرد و سپس به سرعت به کمک ابزارهای بُرنده‌ای که در کیفش قرار داشت کودک را ختنه می‌کرد و در محل زخم، پنبه‌ای نیم سوخته قرار می‌داد و آن را می‌بست. در این هنگام جشن و شادی در خانه آغاز می‌شد، دلّاک پارچه‌ای را که قبلاً به صورت دامن دوخته شده بود به کودک می‌پوشانید و معمولاً کودک را از خوردن آب سرد منع می‌کرد.

از شیر گرفتن بچه

مادر هزاره پسر را تا دوسال دوماه کم (بیست ماه) و دختر را دوسال و دو ماه شیر می دهند و این موضوع را به پیغمبر اکرم نسبت می دهند.

مادرانی که می خواهند بچه از شیر بگیرند روز جمعه دلده یا حلوا می پزند و به مردم و فقیران می دهند. برخی از زنان نان پتیر آماده می کنند و برای فقیر روستا می فرستند. مادر ظهر جمعه درمنزل رو به قبله می نشیند و بچه را کاملا شیرداده سیر می کند، آنگاه نان روغنی پتیر را از سر تپه ای هل می دهند و اگر دو و چند تکه شد، خوشحال می شود و می گوید که بچه به خوبی و

خوشی از شیر گرفته می شود. پس از آن نان نذری را به فقیر روستا می دهد. از آن ساعت شیردادن به بچه را قطع می کند. تا سه روز از نان دعا کرده که با خود به مسجد برده و ملای مکتب بر آن دعا خوانده است؛ به بچه می دهد.

باورها و اعتقادات مردم هزاره در مورد آبستنی

هنگام گرفتن خورشید یا ماه زن آبستن هرجای تن خود را بخاراند و یا جایی از بدن کودک عریان باشد همان نقطه تن بچه را ماه میگیرد و داغ سیاه رنگ بر بدن وی می روید. هر گاه زن آبستن به کسی نگاه بکند و یا چشم به روی کسی باز کند و بچه در شکم وی حرکت کند، بچه خوی و اخلاق و زیبایی او را وام می گیرد یا اگر زن باشد، بچه در شکم دختر است و اگر مرد باشد، بچه پسر است.

زن آبستن اگر چاق شود و یا صورتش لک و پیس بشود، بچه یاو دختر خواهد شد. اگر زن آبستن به غذای سرد علاقه داشته باشد، بچه اش دختر است و اگر به غذای گرم علاقه داشته باشد، بچه اش پسر است. اگر زنی باردار به گل علاقه پیدا کند و یا موهایش را بلند بگذارد و علاقه نداشته باشد موهایش را کوتا کند، بچه اش دختراست و اگر اخلاق مردانه پیدا کند بچه اش پسراست. زن آبستن که زیاد غذای ترش بخورد بچه اش پسر می شود و اگر به شیرینی بیشتر مایل باشد، بچه دخترخواهد بود. جلو زن آبستن سوزن و چاقو بگذارند و چشمش را ببندند اگر سوزن را برداشت بچه اش دختراست و اگر چاقو را برداشت بچه اش پسر است. زن آبستن که زیاد کار بکند و راه برود بچه اش پسراست و هر گاه بخورد و بخوابد(تنبل) شود، بچه اش دختر خواهد بود.

زن آبستن اگر مشکل زنانگی پیدا کند یا خطری متوجه او بشود، زیر درخت کهن سال می خوابد و یا از سوراخ سنگ چند بار رد می شود و یا قفلی را می بندد و تا پایان زایمان باز نمی کند. اگر زن آبستن زیاد درد بکشد، تربت امام حسین می خوراند تا دردش آرام گیرد. یا چادر زن زائو را به علم مسجد می بندند. بره یاسنگی را در آب می اندازند، اذان می گویند، و یا شوهر او با صدای بلند بچه را صدا می زند. بعد از آنکه فارغ شد تا چند روز او را سفید آب می مالند و خال ابرو می گذارند. زنی که بچه اش بیمار است و یا مرده نباید داخل اطاق زائو بشود.

اما زنانی که باردار هستند مخصوصاً آن هایی که بچه اولشان است مقداری پارچه و ریسمان و قیچی و سوزن و انگشتانه ای با خود به مسجد می آورند و بعد از نماز ظهر و عصر پارچه را می برند و لباسی می دوزند چنانچه فرصت نکردند رخت را در مسجد بدوزند چند بخیه به آن می زنند و رخت را در خانه می دوزند و این رخت را تا زمان تولد فرزندشان نگه می دارند و به عنوان اولین لباس به تن نوزاد می پوشانند و عقیده دارند با پوشیدن این رخت فرزندشان تا آخر عمر لباس عافیت می پوشد و ناخوش و بیمار نمی شود

اگر زن حامله هر روز یک دانه سیب سرخ دعا خوانده بخورد، فرزندش زیبا می شود؛

زن باردار نباید تنها به جایی برود زیرا آل او را می زند؛

برای این که زن حامله احساس تنهایی نکند باید دعای ام البنون را به گردنش انداخت؛

اگر زن حامله در ایام وضع حمل یا تا چهل روز بعد از وضع حمل فوت شود، بهشتی است؛

مار هرگز زن حامله را نمی گزد؛

اگر کودک زیاد بیمار شود او را از سوراخ درخت کهن سال و یا سوراخ سنگ های بلند و بزرگ رد می کنند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکَمْ وَ أَنْفُسِکَمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکَمْ خَیْرٌ لَکَمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

